



نگاهی به زندگی و آثار زنده‌یاد دکتر اکبر نحوی

اگر مرگ داد است بیداد چیست؟
ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟
(فردوسی)

دوست نازنین من در شامگاه چهارشنبه هجدهم آذرماه ۱۴۰۰، به ناگاه در خواب، قلبش از تپش بازماند و از این خواب به خواب ابدی رفت. در این زمانه ناسازگار، با ناهم‌رمان گریزی‌پای، زمانی که ناامیدی مطلق بر سرت آوار می‌شود و در مرز میان بودن و نبودن، مات و مبهوت در ایستاده‌ای، به یاد می‌آوری دوستانی هم هستند، دل‌سوز و مهربان، هر چند اندک؛ رفیق نازنینی هم هست که تو را از لبه پرتگاه دور می‌کند. دکتر نحوی برای من در وهله نخست، دوست مهربانی بود بس شریف و بزرگوار، رفیقی باوفا و فروتن و دل‌سوز و از آن سو، استادی فاضل و بی‌بدیل و به‌راستی دانشجو‌پرور، با دقتی ستودنی در کار پژوهش. دانشجویانش می‌گویند که استاد زنده‌یاد در کار تدریس، تعهد و مسئولیتی وصف‌ناپذیر داشت و من، با شناختی که از او دارم، بر این باورم که او، در میان استادان زبان و ادبیات فارسی در سراسر دانشگاه‌های کشور، «یگانه بود و هیچ کم نداشت».

زنده‌یاد دکتر نحوی در روز پنجم آبان‌ماه ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی و متوسط در قم چشم به جهان گشود و فرزند دوم خانواده بود. در سال ۱۳۴۰ وارد مدرسه ابتدایی ملی سعدی قم شد و پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی در ۱۳۴۶، در دبیرستان حکمت قم به ادامه تحصیل پرداخت و تا کلاس یازدهم همان‌جا درس خواند، ولی به دلیل انحلال این دبیرستان، تحصیلات خود را در دبیرستان صدوق قم ادامه داد و در ۱۳۵۳ در رشته علوم طبیعی دیپلم گرفت. پس از اخذ دیپلم، در همان سال (۱۳۵۳) به خدمت سربازی رفت و پس از گذراندن دوره آموزشی، با عنوان سپاه‌دانش، در روستای هُلُقی، از توابع شهرستان مرنند، به تدریس در مدرسه ابتدایی مشغول شد. پس از پایان خدمت سربازی، در سال ۱۳۵۵ وارد مرکز تربیت معلم شهر ری شد و سال بعد (۱۳۵۶) در کنکور

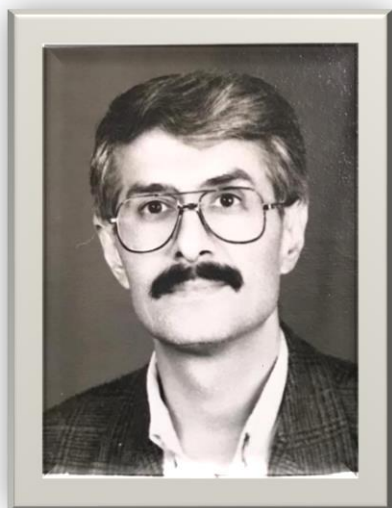
سراسری شرکت کرد و در رشته‌های ادبیات فارسی و رادیولوژی پذیرفته شد، ولی به دلیل علاقه بسیار به ادبیات فارسی، در ۱۳۵۷ در همین رشته، در دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز، تحصیلات عالی خود را آغاز کرد؛ اما پس از گذراندن یک سال از دوره کارشناسی، هم‌زمان با تعطیلی دانشگاه در ماجرای انقلاب فرهنگی، به ناچار به قم بازگشت و در یکی از کارخانه‌های قم مشغول به کار شد. پس از انقلاب فرهنگی به شیراز بازگشت و به تحصیل خود ادامه داد. در ۱۳۶۵ مدرک کارشناسی گرفت و در ۱۳۶۹ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان لغت‌های ضبط‌نشده در فرهنگ‌های فارسی دفاع کرد و در همین سال در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز عضو هیئت علمی شد. سرانجام در ۱۳۷۹ از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان تصحیح برزنامه دفاع کرد و مدرک دکتری گرفت و تا واپسین روزهای زندگی پربار خود، در مقام استادی همان دانشگاه، به تدریس و تحقیق پرداخت. افزون بر دانشگاه شیراز، مدتی در مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز (۱۳۹۶) و سازمان اسناد و کتابخانه ملی فارس (۱۳۹۷) نیز تدریس می‌کرد. در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی بود و در هیئت تحریریه چند مجله علمی - پژوهشی، از جمله شعرپژوهی (دانشگاه شیراز) و مجله ادبیات عامه (دانشگاه یاسوج) عضویت داشت. نحوی در تاریخ دوم بهمن ماه ۱۳۹۵، به عنوان نماینده شایسته‌ای از دیار ادب‌پرور شیراز، به عضویت وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد. همچنین در ششمین عصر کتاب ایران در فارس، به عنوان یکی از «مفاخر فرهنگ و ادب استان فارس» شناخته شد.

دکتر نحوی در شهریور سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و دو پسر به نام‌های رامین و آرمین از او به یادگار مانده است.

سرانجام در هجدهم آذرماه ۱۴۰۰، به ملکوت پر کشید و در آرامستان باغ بهشت در قم به خاک سپرده شد.

با حضور دکتر نحوی در فرهنگستان، روابط ما بیشتر و بیشتر شد. روزهایی که در فرهنگستان جلسه داشت، از شیراز یک‌راست به دفتر من می‌آمد. پیش از جلسه، زمان مناسبی بود برای گپ‌های شاهنامه‌ای، و پس از جلسه هم، تا پاسی از عصر که به شیراز پرواز می‌کرد، در باب شاهنامه یک‌ریز حرف می‌زدیم. هم او نتایج حاصل از خوانش‌ها و پژوهش‌های جدید خود را از شاهنامه با من در میان می‌گذاشت و هم من.

دکتر نحوی، افزون بر سال‌ها تدریس در دانشگاه شیراز، در امر پژوهش نیز کارنامه درخشانی دارد. در کارنامه پژوهشی او نه کتاب و شصت مقاله عالمانه و روشمندانانه و نقد کتاب دیده می‌شود. بیشتر کتاب‌های او در حوزه تصحیح انتقادی متون کهن زبان فارسی و شاهنامه و ادب حماسی است و همه آن‌ها، به‌ویژه دو کتاب ارجمند برزنامه کهن و مُجمل التواریخ و القصص، می‌تواند الگوی دانشجویان و پژوهندگان در زمینه تصحیح انتقادی متون باشد. در همه مقالات او حتماً نکته‌ای نو می‌توان یافت و یکی از ویژگی‌های مهم مقاله‌های او این است که نویسنده در



زمینه مورد بحث خود، به اندازه‌ای که موضوع اقتضا می‌کند، داد سخن می‌دهد. بارها دیده‌ایم که بسیاری از پژوهندگان، پیش از ورود به بحث اصلی، فصل مُشَبَّعی می‌نویسند از زمان حضرت آدم^(ع) تا زمان رویدادی که موضع مورد بحث در آن اتفاق می‌افتد، اما دکتر نحوی، بعد از نوشتن چند سطر و طرح موضوع، یک‌راست به قلب مطلب می‌زند و شواهد و استدلال‌ها و نتایج حاصل از پژوهش خود را در کمترین حجم عرضه می‌دارد؛ برای نمونه، در مقاله «ملاحظات درباره فرامرنامه و سراینده آن»، فقط چند سطر به فرامرز اختصاص داده و برای نخستین بار نظر تازه‌ای درباره نام سراینده

فرامرنامه کوچک و نام ممدوح او و طبعاً زمان سرایش آن پرداخته است. استدلال‌ها و شواهد دکتر نحوی در این جُستار چنان قانع‌کننده بود که پژوهندگان این حوزه از جمله نگارنده این سطور در پذیرفتن آن تردید نکردند، تا آنجا که نگارنده و همکارم، در تصحیح و انتشار این منظومه پهلوانی، نام سراینده (رفیع‌الدین مرزبان فارسی) و زمان سرایش پیشنهاد شده از سوی دکتر نحوی را بر پیشانی کتاب درج کردیم.

علاقه‌مندان شاهنامه نیک می‌دانند که در این کتاب ارجمند، بیت‌های دشوار و دیریاب اندک نیست و یکی از علاقه‌مندی‌های دکتر نحوی این بود که به گفته خودش روزان و شبان برای گره‌گشایی از دشواری‌های این بیت‌ها زمان سپری کند و گاهی گره بگشاید و گاهی هم نه. وقتی از

شیراز می‌آمد، خودش یک‌راست می‌رفت سراغ شاهنامه‌ها در قفسه‌های کتاب‌ها در اتاق من و چند جلد را روی میز پهن می‌کرد و در همان حال می‌گفتم: «باز چی کشف کردی رفیق؟». پژوهش تازه‌اش را کامل و دقیق توضیح می‌داد و با لحنی که از تردیدهای همیشگی‌اش نشان داشت، در حالی که سیگارش را آتش می‌زد، نظر مرا می‌پرسید. در بسیاری موارد، از دریچه‌ای به بیت‌ها نگاه می‌کرد که نه من و نه شارحان شاهنامه هرگز به ذهنشان نرسیده بود. آخرین بار، این بیت از داستان فریدون را مطرح کرد (بنگرید به مقاله «درنگی در دو بیت شاهنامه» در نامه فرهنگستان، ش ۶۶، ص ۳۱-۴۰)، که بنا بر داستان، سلم و تور برای کشتن ایرج به سراپرده او می‌روند:

برفتند هر دو گرازان ز جای نهادند سر سوی پرده‌سرای^(۱)

(فردوسی، ج ۱، ص ۱۱۹، بیت ۴۷۵)

دکتر نحوی، با انبوهی شواهد از متون فارسی و عربی و حتی روایاتی از مورخان یونانی چون گزنفون، نشان داد که مصراع اول این بیت در اصل چنین بوده است: «برفتند با شمع‌باران ز جای»؛ و توضیح داد که در دربارها آیین ویژه‌ای بود که، بنا بر آن، کسانی وظیفه داشتند پیشاپیش پادشاه آتشدان یا شمع حمل کنند، و برای تأیید نظر خود، این بیت را هم از داستان جنگ بزرگ کیخسرو آورد:

برفتند با شمع‌داران^۱ ز پیش دلی شاد و خرم به ایوان خویش

(همان، ج ۴، ص ۲۸۵، بیت ۱۷۸۶)

دکتر نحوی، پس از اتمام سخن، نگاهی به من افکند و منتظر ماند که نظرم را بگویم و من هم کف دستم را محکم روی میز کوفتم و گفتم: «دکتر، مستقیم زدی به خال!». در حالی که برق شادی کودکانه‌ای در نگاهش موج می‌زد، گفت: «واقعاً؟».

زمانی که بیمار شدم، مرتب تلفن می‌زد و، با فروتنی و شکسته‌نفسی بیرون از حدی که همگان در او سراغ دارند، مهربانانه می‌گفت: «اجازه بده تا در کارهای تحقیقی کمکت کنم!». هنوز باورم نمی‌شود که دست سرنوشت ناگهان از کمینگاه خود سر برآورد و رفیق نازنین ما را در میانه راه زندگی، آن هم در اوج پختگی در آموزش و پژوهش، بر باید. دریغ‌دریغ و افسوس و صد افسوس! هنوز سال‌ها می‌توانست راهنمای دانشجویان باشد، راهنمای رساله‌هایشان و پژوهش‌هایشان، و خود نیز هنوز می‌توانست پژوهش‌های ارزشمند و ناب، به‌ویژه در حوزه ادبیات حماسی، که بیشترین علاقه او را

تشکیل می‌داد، برای نسل‌های آینده به یادگار بگذارد. چه بگوییم؟! جز آنکه آرزو کنم روشن‌روان حضرت دوست آرام یابد به دیگر سرای.

آثار (از جدید به قدیم)

کتاب‌ها

۱. نقش خیال: بیست مقاله تاریخی و ادبی، اکبر نحوی، انتشارات موقوفات محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، تهران، [زیر چاپ].
۲. مکتبی شیرازی، اکبر نحوی، نشر قلمکده، شیراز ۱۴۰۰.
۳. مُجمل‌التواریخ و القصص، به کوشش اکبر نحوی، انتشارات موقوفات محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، تهران ۱۳۹۹.
۴. آیین دبیری، محمد بن عبدالخالق میهنی، به کوشش اکبر نحوی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۹۱.
۵. شیرازنامه، احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی، تصحیح اکبر نحوی، انتشارات دانشنامه فارس، شیراز ۱۳۹۰.
۶. رودکی، اکبر نحوی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی (از مجموعه «از ایران چه می‌دانیم؟» شماره ۱۴۴)، تهران ۱۳۸۸.
۷. برزنامه (بخش کهن)، سروده شمس‌الدین محمد کوسج، تصحیح اکبر نحوی، انتشارات میراث مکتوب، تهران ۱۳۸۷.
۸. پهلوان سَنگانی: تلخیص و بازنویسی برزنامه اثر نویسنده‌ای ناشناخته، تصحیح اکبر نحوی، زیر نظر اکبر ایرانی و علیرضا مختارپور، انتشارات اهل قلم، تهران ۱۳۸۴.

مقالات و نقدها (مجلات، جشن‌نامه‌ها، یادنامه‌ها، دانشنامه‌ها، مصاحبه)

۱. «خسرو پرویز»، دانشنامه زبان و ادب فارسی (ذیل ۲)، زیر نظر مسعود جعفری جزی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، [زیر چاپ].
۲. «درنگی در چند بیت شاهنامه»، جشن‌نامه سیروس شمیسا، به کوشش یاسر دالوند، کتاب سده، تهران ۱۳۹۸.
۳. «منظومه سعد و همایون: گوشه‌ای از فرهنگ مردم شیراز در قرن هشتم»، فصلنامه پارس، ۱۳۹۸.
۴. «درنگی در دو بیت شاهنامه»، نامه فرهنگستان، دوره هفدهم، ش ۲ (پیاپی ۶۶)، زمستان ۱۳۹۷.
۵. «درباره دو واژه کمیاب شاهنامه (یادگار، سند)»، جستارهای نوین ادبی، ش ۲۰۰، بهار ۱۳۹۷.

۶. «دو نکته درباره ابوسهل زوزنی»، دیهیم هفتاد: مهرنامه استاد محمدجعفر یاحقی، به خواستاری و اشراف محمود فتوحی رودمعیجی، به کوشش سلمان ساکت و اصغر ارشاد سرابی، سخن، تهران ۱۳۹۷.
۷. «چند نکته درباره ابوعلی تیزانی (تیرانی)»، گزارش میراث، ش ۸۴ و ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۸. «تأملی دیگر در معنی ترکیب دست‌کش»، رستگار منصور: ارج‌نامه منصور رستگار فسایی، به کوشش امیر مهربانی، انتشارات نوید شیراز با همکاری قطب علمی بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و مرکز حافظ‌شناسی، شیراز ۱۳۹۶.
۹. «یادداشتی بر تاریخ بیهقی، ماجرای حجّ حسنک»، نامه فرهنگستان، دوره پانزدهم، ش ۳ (پیاپی ۵۹)، بهار ۱۳۹۵.
۱۰. «بررسی روابط خسرو پرویز با شهر بزاز بر اساس منابع تاریخی و شاهنامه»، با همکاری سمیه نبوی، شعرپژوهی (بوستان ادب سابق)، سال هشتم، ش ۴ (پیاپی ۳۰)، زمستان ۱۳۹۵.
۱۱. «ملاحظاتی درباره منظومه بهمن‌نامه»، با همکاری سارا رضاپور، پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال یازدهم، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۱۲. «آدینه هرمزد بهمن، بررسی گاه‌شماری بیتی از شاهنامه»، نامه فرهنگستان، دوره پانزدهم، ش ۲ (پیاپی ۵۸)، زمستان ۱۳۹۴.
۱۳. «پژوهشی نو درباره هجوتامه منسوب به فردوسی»، گزارش میراث، ش ۷۲ و ۷۳، آذر و اسفند ۱۳۹۴.
۱۴. «پژوهش‌های لغوی: دو ترکیب کمیاب در شاهنامه («کلاه‌عادی» و «زشت‌کام»)»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۸، مرداد ۱۳۹۳.
۱۵. «شاعران منطقه فارس در تذکرة عرفات‌العاشقین»، ضمیمه آینه میراث، ش ۳۵، مرداد ۱۳۹۳.
۱۶. «درنگی در تذکرة التواریخ»، آینه میراث، ش ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۷. «آثار جم، یادگار جم»، دانشنامه مطبوعات ایران (جلد ۱)، به کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
۱۸. «اخوت شیراز»، دانشنامه مطبوعات ایران (جلد ۱)، به کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
۱۹. «آدمیت»، دانشنامه مطبوعات ایران (جلد ۱)، به کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
۲۰. «آرین»، دانشنامه مطبوعات ایران (جلد ۱)، به کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
۲۱. «الاسلام»، دانشنامه مطبوعات ایران (جلد ۱)، به کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
۲۲. «استخر»، دانشنامه مطبوعات ایران (جلد ۱)، به کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.

۲۳. «کوش‌نامه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی (جلد ۵)، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۳.
۲۴. «سیاوش و سودابه (بررسی تطبیقی موارد مشابه در اساطیر و ادبیات ملل)»، با همکاری علی امینی، شعرپژوهی (بوستان ادب سابق)، سال پنجم، ش ۱ (پیاپی ۱۵)، بهار ۱۳۹۲.
۲۵. «کاکوی یا کوش پیل‌دندان»، مجموعه مقالات همایش هزاره شاهنامه (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اردیبهشت ۱۳۹۰)، به کوشش محمدجعفر یاحقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۲.
۲۶. «گذشته ز سؤال ده با چهار: تأملی در یک بیت تاریخ‌دار شاهنامه»، پژوهش‌نامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب سابق)، سال هشتم، ش ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲۷. «باید با نقد پنبه کتاب‌سازی رازد»، ضمیمه گزارش میراث، ش ۲، تیر ۱۳۹۱.
۲۸. «فرامرنامه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی (جلد ۴)، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۱.
۲۹. «بداية‌الذاکرین (امین‌الدین محمد بلیانی)»، مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی (جلد ۳)، به کوشش جواد بشری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۱.
۳۰. «ده دیو از فارسی میانه تا منظومه فرامرنامه»، با همکاری رضا غفوری، بوستان ادب، ش ۱۰، زمستان ۱۳۹۰.
۳۱. «نقد روایتی از چهارمقاله درباره زندگانی فردوسی»، جستارهای ادبی (ویژه‌نامه ادبیات حماسی و شاهنامه‌پژوهی)، ش ۱۷۴، پاییز ۱۳۹۰.
۳۲. «شفره رستم یا شفره رُستون؟ (بازخوانی یک واژه در یادگار زریران)»، با همکاری عظیم جباره، نامه فرهنگستان، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۴۵)، بهار ۱۳۹۰.
۳۳. «تاریخ، ادب و فرهنگ فارس و شیراز (از آغاز تا قرن نهم)»، گفت‌وگو با اکبر نحوی، فارس‌شناخت، ش ۲، بهار ۱۳۹۰.
۳۴. «بررسی مقایسه‌ای گونه‌های مختلف پرداخت یک حکایت در متون منشور صوفیانه فارسی تا ابتدای قرن هفتم»، با همکاری زرین‌تاج واردی و زهرا انصاری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، دوره جدید، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۹.
۳۵. «خسرونامه (گل و هرمز) از کیست؟»، جستارهای ادبی، سال چهل و سوم، ش ۱۶۹، تابستان ۱۳۸۹.

۳۶. «نابرابری سرگذشت مانی در شاهنامه فردوسی با پژوهش‌های تاریخی»، با همکاری رضا غفوری، بوستان ادب، سال دوم، ش ۳، بهار ۱۳۸۹.
۳۷. «بررسی ساختار متن در کشف‌المحجوب هجویری»، با همکاری ناهید دهقانی، بوستان ادب، ش ۶، زمستان ۱۳۸۹.
۳۸. «برخی از منابع فارسی کشف‌الأسرار»، یادنامه ابوالفضل رشیدالدین میبدی: شامل مجموعه مقالات کنگرة بزرگداشت میبدی (جلد ۲)، به کوشش مهدی ملک‌نابت، انتشارات یزد، تهران ۱۳۸۹.
۳۹. «حماسه گیلگمش در بوته نقدی نو»، با همکاری محمدحسین کرمی و محمود رضایی دشت‌ارژنه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، دوره جدید، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۸.
۴۰. «در آستانه تحقیق: بوسعیدی از دیار جنوب (مقامه‌ای نویافته از عارفی وارسته اما گمنام متعلق به قرن هشتم هجری)»، با همکاری رستم فتوت، آینه میراث، ش ۴۳، زمستان ۱۳۸۷.
۴۱. «یادداشت‌هایی بر تاریخ هرات»، نامه فرهنگستان، دوره ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۸۷.
۴۲. «نگاهی به ذیل فرهنگ‌های فارسی»، کتاب‌ماه ادبیات، ش ۱۱۵، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۴۳. «آوازه سعدی در قرن هفتم»، سعدی‌شناسی، دفتر نهم، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۴۴. «درباره چند نام عربی در شاهنامه (ضحاک، مرداس، جندل، سرو)»، شاهنامه‌پژوهی (دفتر یکم)، به کوشش محمدرضا راشد محصل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ۱۳۸۵.
۴۵. «سرچشمه‌های برخی از حکایات سعدی»، با همکاری سعید قشقایی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، دوره جدید، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۴.
۴۶. «نگاهی به روش‌های ارجاع به منابع در شاهنامه»، نامه فرهنگستان، دوره ۷، ش ۴ (پیاپی: ۲۸)، زمستان ۱۳۸۴.
۴۷. «حیرت دمیده‌ام؛ شرح بی‌تی از بیدل دهلوی»، با همکاری محمدرضا اکرمی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۴۴، پاییز ۱۳۸۴.
۴۸. «صنعت دلّاله»، نشر دانش، ش ۱۱۲، تابستان ۱۳۸۴.
۴۹. «تجلی کاشانی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره (جلد ۲)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
۵۰. «ترکی شیرازی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره (جلد ۲)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
۵۱. «ابن جوزی گلستان»، سعدی‌شناسی، دفتر هشتم، اردیبهشت ۱۳۸۴.
۵۲. «تاریخ‌نامه‌های فارس (از اوایل قرن پنجم تا میانه قرن هفتم)»، فارس‌شناخت، ش ۱، زمستان ۱۳۸۳.

۵۳. «ملاحظاتی درباره فرامرزنامه و سراینده آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۲، ش ۱۶۴، زمستان ۱۳۸۱.
۵۴. «ناگفته‌هایی درباره برزنامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۲۴، ش ۱-۲ (پیاپی: ۱۳۲-۱۳۳)، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
۵۵. «مگر این پنج روزه در ترازو»، سعدی‌شناسی، دفتر چهارم، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۵۶. «عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری»، سعدی‌شناسی، دفتر چهارم، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۵۷. «جان معنی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۲۹ و ۳۰، فروردین ۱۳۷۹.
۵۸. «طبقات و تاریخ‌های فارس»، فصل‌نامه پارس، ش ۱۳-۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
۵۹. «حیدر شیرازی در مرآده با خواجو»، کتاب پاژ، ش ۱۱-۱۲، زمستان ۱۳۷۳.
۶۰. «نکته‌ای درباره مؤلف مُعْجَم شاهنامه»، کتاب پاژ، ش ۹، تابستان ۱۳۷۲.

پی‌نوشت

۱. در ارجاع به شاهنامه از این چاپ استفاده شده است: فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۶.

منابع

درباره زندگی‌نامه مرحوم استاد نحوی، بخشی از اطلاعات مدخل، مبتنی بر گزارشی است که خانواده ایشان در اختیار نگارنده قرار داده‌اند. بقیه گزارش‌ها حاصل جست‌وجوهای نویسنده است. درباره زندگی او، نیز نک. «اکبر نحوی» (زندگی‌نامه خودنوشت)، بهین‌نامه: فصل‌نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰، ویژه‌نامه اکبر نحوی، ص ۱۰-۱۳؛ درباره سال‌شمار فعالیت‌های ایشان، نک. «اکبر نحوی به روایت تاریخ»، بهین‌نامه، ص ۱۴-۱۵؛ فهرست کتاب‌ها و مقاله‌ها و نقدهای نحوی حاصل جست‌وجوهای نویسنده، به‌ویژه در اینترنت است؛ درباره فهرست تفصیلی کتاب‌های نحوی، نک. «کتاب‌شناسی»، بهین‌نامه، ص ۱۶-۲۳؛ درباره فهرست مقالات و نقدها، نک: «مقاله‌شناسی»، بهین‌نامه، ص ۲۴-۲۸؛ نیز نک. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران ۱۳۸۶.

ابوالفضل خطیبی